

در سایه‌ی اکثریت‌های خاموش

ژان بودریار

ترجمه‌ی پیام یزدانجو



نشر مرکز

.....	۷۸
[.....]	۹۶
.....	۷۰۱
.....	۱۶۱
.....	۶۶۱
.....	۶۶۱

فهرست

یادداشت مترجم

.....	یادداشت مترجم	۷
.....	مبادله‌ی نمادین و مرگ	۱۱
.....	درآمد	۱۳
.....	انقلاب ساختاری ارزش	۱۹
.....	حادثه‌های گرایشی و انمایی	۲۶
.....	فراسوی ناخودآگاه	۳۴
.....	در سایه‌ی اکثریت‌های خاموش	۴۱
.....	ورطه‌ی معنا	۴۹
.....	ظهور و سقوط امر سیاسی	۵۳
.....	اکثریت خاموش	۵۵
.....	نه سوژه نه ابژه	۶۳
.....	از مقاومت تا حاد تبعیت	۷۱
.....	توده و تروریسم	۷۶
.....	نظام‌های فروپاشنده، نظام‌های فراپاشنده	۸۴

۸۷ ... یا، پایان امر اجتماعی
 ۹۶ [بیش‌نوشت: امر اجتماعی، یا تخلیه‌ی کارکردی وامانده‌ها]
 ۱۰۷ فروپاشی معنا در رسانه‌ها
 ۱۲۱ توده‌ها: فروپاشی امر اجتماعی در رسانه‌ها
 ۱۴۲ واژه‌نامه
 ۱۴۴ نمایه‌ی نام‌ها

فهرست

۷
 ۱۱
 ۱۴
 ۱۶
 ۱۷
 ۱۸
 ۱۹
 ۲۰
 ۲۱
 ۲۲
 ۲۳
 ۲۴
 ۲۵
 ۲۶
 ۲۷
 ۲۸

در این زمینه، آنچه که در گذشته اتفاق افتاده است، در واقع یک تجربه است که باید از آن درس گرفت. این تجربه نشان می‌دهد که در صورتی که نهادها و سازمانها با هم همکاری نکنند و با هم هماهنگ نباشند، نتایج مطلوبی حاصل نمیشود. بنابراین، در این زمینه، باید تلاش کرد تا با هم هماهنگی ایجاد شود و با هم همکاری داشته باشند. این امر نیازمند یک برنامه‌ریزی دقیق و یک هماهنگی کامل است. در این زمینه، باید تلاش کرد تا با هم هماهنگی ایجاد شود و با هم همکاری داشته باشند. این امر نیازمند یک برنامه‌ریزی دقیق و یک هماهنگی کامل است.

درآمد

مبادله‌ی نمادین دیگر اصل سازمان‌دهنده‌ی جامعه‌ی مدرن نیست. البته، امر نمادین در نهادهای اجتماعی امروزی همچنان حضور خود را به عنوان چشم‌انداز مرگ این نهادها حفظ می‌کند. در واقع، از آن جا که امر نمادین دیگر سامان‌دهنده‌ی این شاکله‌های اجتماعی نبوده، این شاکله‌ها امر نمادین را تنها به شکل همین حضور مدام، و همچون خواستی یک‌سر ممنوع شده از سوی «قانون ارزش» تجربه می‌کنند. برداشت خاصی از «انقلاب»، که از مارکس به این سو مطرح شده، البته در جست‌وجوی راهی برای برگزشتن از قانون ارزش بوده، با این حال این انقلاب از دیرباز به صورت انقلابی همساز با «قانون» درآمد؛ حتا روان‌کاوی مجذوب حضور مدام امر نمادین بوده، امر نمادین را واپس رانده اما در عین حال در یک ناخودآگاه فردی محاطاش کرده، از این رو آن راه، در چارچوب «قانون پدر»، به هراس و سواس‌گون از «اختگی» و از «دال» فرو می‌کاهد؛ همیشه همان «قانون».